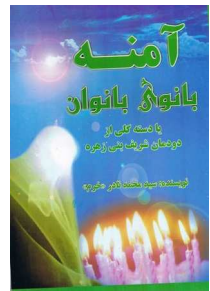


سخنی چند در مورد کتاب « آمنه بانوی بانوان » اثری از محترم سید محمد نادر خرم



نوشته ای از دکتر خاتول فروتن

خیلی خوشحال شدم که مردانی در جامعه ما به مسائلی می پردازند که در آن نقش زنان را چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ معنوی به تصویر می کشند . باید اعتراف کنم که مردان آگاه در هر سرزمینی از این کره خاکی که زندگی میکنند خوانا خواه در پرورش دختران رول عمده ای را بازی میکنند که از میان این ها زنان تاریخ ساز را در عرصه های مختلف تقویت کرده و در ساختار شخصیت شان نقش عظیمی را ایفا نموده اند .



آخریاً کتاب ارزشمندی بنام آمنه بانوی بانوان را مطالعه نمودم که این کتاب خیلی خوانا با انتخاب خط قشنگ و دارای صحافت عالی و کم مصرف با تسلسل نوشتاری زیبا داستانی را به تصویر کشیده که از حضرت ابراهیم (ع) آغاز و تا سنین پنج سالگی حضرت محمد (ص) خاتمه می یابد .

نویسنده این اثر در رابطه با در یافت حقیقت تلاش فروانی را متحمل شده و از منابع مختلف به شمول آیاتی از قرآن عظیم الشان مسائیل مهمی را تشریح و توضیح داده است . به باور من این کتاب مأخذ خوبی برای متعلمین مکاتب شده میتواند .

محتوای این کتاب میتواند به سه بخش تقسیم گردد . قسمت اول که بخش عمده آنرا تشکیل میدهد راجع به زندگانی حضرت ابراهیم (ع) که در آن نقش حضرت هاجر به تصویر کشیده شده ، قسمت دوم شامل معرفی خاندان پیامبر اسلام و بخصوص پدر گرامی شان عبد الله است . قسمت سوم این اثر به زندگی بانو آمنه مادر بزرگوار حضرت محمد (ص) اختصاص یافته است .

نویسنده سعی نموده تا زنجیر تاریخی نبوت محمد رسول الله را با ساقه توحیدی حضرت ابراهیم(ع) وصل نمایند و تمامی شخصیت های شناخته شده آن زمان را با همه القاب قبیلوی و عشیره ی بصورت تفصیلی ذکر نمایند اما با تأ سف که اشاره نویسنده محترم بیشتر بر ابعاد شخصیتی مانند

پاکی ، عفت ، نسب خانواده گی ، گوشه گیری ، اطاعت و فرمانبرداری این دو بانوی بزرگ (هاجر و آمنه) اتکأ شده است و این گونه نگاه به تاریخ سوال های بی شماری را در ذهن خواننده بخصوص خانم های معاصر ایجاد میکند و خواننده را بیشتر بجای اینکه از داستان زندگی آن دو بانوی محترم و بزرگ در راه حل مشکلاتی که زن در تاریخ معاصر دچار آن شده است استفاده کند با خواندن داستان غم انگیز دشواری ها و سختی های که آن دو شخصیت بزرگ تاریخ متحمل شده اند به نوعی افسردگی و مریضی مزمن روحی مبتلاً میگردد . زیرا وقتی خواننده از قول نویسنده این اثر (آمنه بانوی بانوان یا دسته گلی از دودمان شریف بنی زهره) میخوانند که هاجر همسر گرامی حضرت ابراهیم (ع) به فرمان ابراهیم پیامبر، بدون آن که انگیزه و مقصد همسرش را بداند در دشت سوزان مکه با طفل شیر خوارش رها میگردد و آن دیگری آمنه مادر گرامی پیامبر اسلام (ص) که هنوز سه روز از زایمان پسرش آنهم نشان تنها همسر به قول نویسنده محترم جوان مرگ اش نگذشته است طفل شیر خوار را به دائیه تسلیم کند که کودک را به سرزمین دیگری بنام " یثرب" با خود ببرد و آنرا پرورش دهد . که این مطلب و مانند آن سوال های زیادی را در ذهن خواننده مطرح میسازد که از آن جمله میتوان گفت که آیا واقعاً رسم و رواج آن زمان بالاتر از هر نوع احساساتی حتی رابطه فطرتاً عاطفی میان مادر و فرزند بود ؟ و آیا و اقعاً پدر کلان خانواده آنچه را که تصمیم میگرفت با یدعملی میشد ؟ آیا مادر حق نداشت با فرزندش به کمک دائیه در یک محیط ویکجا زندگی کند ؟ سوال های زیادی از این قبیل مطرح میگردد که در عصر کنونی به کمک علم و آگاهی تمامی از این دست سوالها را پاسخ قناعت بخش باید داد که با تأسف کتاب فوق الذکر این نوع پاسخ ها را مورد توجه قرار نداده است . اما باوصف آن کتاب مذکور چنانچه در بالا تذکر یافت یک اثر برارنده و در جهان کنونی که ریشه های همان جهالت کهن قبائیل اعراب به اشکال گوناگون و بنام آزادی زن ظاهر میگردد یک غنیمت شمرده میشود برای نویسنده محترم آن از پروردگار بزرگ توفیقات بیشتر می طلبم .